

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۹ جنوری ۲۰۱۹

"دیوانه در کار خود هوشیار است!"

جمعه- ۲۸ جدی ۱۳۹۷ - کابل: خلاف تمام آنهایی که باور دارند و یا هم براساس نفرت و کین و یا هم زرنگی های خاص، "غنی احمدزی" را دیوانه معرفی می دارند، هرچند ممکن است گاهگاهی تشنجات عصبی وی را به دیوانه بازی هائی از سنح آتش زدن اتاق کارش وادار سازد، من اعتقاد دارم که اولاً وی به هیچ صورت دیوانه نیست بلکه عنداللزوم تقلید و ادای دیوانه ها را می کند، ثانیاً اگر خلل دماغی هم داشته باشد، مصداق کامل ضرب المثل وطنی ما بوده، در کار خود سخت هوشیار است. چنانچه:

۱- یکی از مواردی که مردم به خصوص مردم کابل رأی به دیوانه بودن وی دادند، مغزله تا سرحد عقد و پیمان با "گلبدین" بود. مردم کابل که "گلبدین" در محراق نفرت شان قرار داشته و دارد و با شناختی که از "گلبدین" داشتند و می دانستند که تا چه حد پیمان شکن، خودخواه، زورگو، جبار و قسی القلب است، نزدیکی و عقد اخوت بین "غنی احمدزی" و "گلبدین" را آنهم در شرایطی که چیزی برای "گلبدین" نمانده بود، کاملاً یک توطئه استخباراتی پاکستان دانسته، همه فکر می نمودند که بازنده نهائی این ازدواج نامشروع شخص "غنی احمدزی" خواهد بود.

۲- آمدن "گلبدین" به کابل، برخورداری وی از امکانات مادی غیر قابل تصور که بیشتر به دستهای هزار و یک شب شبیه است تا واقعیت زندگانی در افغانستان ویران و جنگزده، تقرر نزدیکانش به مقام ها و چوکی های ناندان و نامدار، شرایطی را به وجود آورد که شخص "گلبدین" سوار بر پشقل مساعدهای استعماری، کشمیر را نظر انداخته، در خواب و بیداری در رویا خود را به جای "غنی احمدزی" حاکم مطلق بر تمام افغانستان ببیند. این وضعیت چنان بر وی اثر گذاشت که دست پروردگان، چاکران و اخدام بی هویتش، قبل از انتصابات پارلمانی، حزب شان را به نام "بانک رأی" یاد نموده، صریحاً اعلام داشتند که در پارلمان و به تعقیب آن در انتخابات ریاست جمهوری، فقط کسی می تواند پیروز گردد که حمایت حزب "گلبدین" را با خود داشته باشد.

۳- با همین توهم و چه بسا وعده و وعید های پنهان "غنی احمدزی"، افراد نزدیک به "گلبدین" از فرزندش گرفته تا نماینده رسمی آنها در جریان مذاکرات تسلیمی آنها به دولت و سخنگوی خونخوار آنها که حتا مقابل صفحه تلویزیون طرف مقابل را تحمل نتوانسته بود و همه و همه از ولایات متعدد من جمله کابل، خود را کاندید نمودند. هیچ فراموش نمی شود صحبت یک تن از افراد "گلبدین" که در یک مجلس فاتحه گفت: "وقتی رئیس پارلمان "انجنیر محمد امین

کریم" و رئیس جمهور شخص "حکمتیار صاحب" باشد دنیا در پای ما خواهد افتاد". با چنین امیدواری و توهمات آنها خود را در آزمون رأی مردم افغانستان قرار دادند.

۴- بدون آن که منکر دست درازی و مهندسی به اصطلاح انتخابات پارلمانی از جانب دولت دست نشانده بگردم، با اعتقاد کامل بیان می دارم که کمیسیون انتخابات در مورد افراد مربوط به باند "گلبدین" اگر تخلفی هم نموده باشد، بیشتر به نفع آنها بوده است نه این که از رأی آنها چیزی بکاهد. یعنی رأی که به افراد باند "گلبدین" داده شده، مطلقاً همان رأی است که مردم به آنها داده و مبین جایگاه آنها بین مردم افغانستان است. مردم افغانستان با امتناع از دادن رأی به این باند جنایتکار و وطنفروش، در عمل نشان دادند که در صورتی که خواسته باشند رشد فکری شان را به نمایش بگذارند، طی ۴۰ سال جنگ و خونریزی در آن حدی از شناخت قرار دارند که بین دوست و دشمن تمیز قابل شوند.

۵- این که مطلب را با ضرب المثل "دیوانه در کار خود هوشیار است" آغاز نمودم بدان معنا نیست که "غنی احمدزی" گویا در انتخابات علیه باند "گلبدین" تقلب نموده است، بلکه بدان معناست که وی را همان طوری که هست به خودش و مردم شناساند. حال که این "بانک رأی" به سرنوشت "کابل بانک" گرفتار شده و افلاس داده است، یا بهتر است گفت به آنجای "گلبدین" خت رسوائی مالیده شده است، میدان برای "غنی احمدزی" و بادرانش مساعد گردیده تا از این انسان بی آرم و خود فروخته، بخواهند هر آن چیزی را که خود می خواهند. می توانند مطمئن باشند که "گلبدین" از دادن آن دریغ نخواهد ورزید.

دیده شود چه می شود!!

یادداشت:

چند تن از دوستان بر من انتقاد نموده اند که چرا در نوشته هایم حزب "گلبدین" می نویسم و یا "باند گلبدین" و چرا "حزب اسلامی" نمی نویسم. به این دوستان باید تذکر داد که من یک شهروند قانونمدار افغانستان هستم. چون به حساب قانون در وزارت عدلیه نهادی به نام "حزب اسلامی" تحت ریاست آقای "ارغندیوال" ثبت است. لذا تا زمانی که وزارت عدلیه آن حزب را بیرون نیندازد، من به خود حق نمی دهم مالکیت آقای "ارغندیوال" را به "گلبدین" ببخشم.

ع. قریشی